

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۷، پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۱۸۸ تا ۱۹۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹

ارزیابی پروژه توسعه در ایران از منظر حقوق عمومی

حجت الله ابراهیمیان* | دانشیار گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
یداله آریا تبار | دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

قریب یک قرن از آغاز حرکت توسعه در ایران می‌گذرد اما به حکایت آمار و گزارش‌های رسمی پروژه توسعه در ایران نتوانسته است به انتظارات تعریف شده پاسخی درخور بدهد. آسیب شناسی نهضت توسعه در ایران از ابعاد مختلفی قابل مطالعه می‌باشد اما اهتمام این پژوهش بر نقد پروژه توسعه از منظر حقوق عمومی است: آیا رویکردی متفاوت به حقوق عمومی می‌تواند مسیر دستیابی به توسعه در ایران را فراراه ما قرار داده و موجبات پیشرفت همه جانبه آن را سبب گردد؟ حرکت بر مدار برنامه در ایران از سال ۱۳۱۶ آغاز گردیده و اولین برنامه توسعه ایران در ۱۳۲۷ کلید خورده است و در قریب هفتاد سال گذشته همواره یک برنامه مصوب، چراغ راه و محور توسعه ایران بوده اما این امر به توسعه یافتگی ایران نینجامیده است. بررسی روند توسعه در ایران و میزان کامیابی اهداف برنامه از یک حقیقت روشن حکایت دارد که توجه به الزامات و فراهم آوردن امکانات لازم می‌تواند ما را بدین هدف نزدیک نموده و زمینه رشد و توسعه در ایران را سبب گردد. فاصله معنادار بین اهداف و نتایج برنامه‌های توسعه به هیچ روی نباید به حساب امتناع امر توسعه گذارده شود زیرا کافی بود تا آهنگ رشد در دوره‌های درخشان برنامه حفظ می‌گردید تا امروز شاهد ایرانی توسعه یافته، برخوردار از موقعیت ممتاز منطقه‌ای و بین المللی و دارای سهم موثر و تعیین کننده در تولید علم و توسعه تکنولوژی می‌بودیم. آسیب شناسی عدم کامیابی برنامه‌های توسعه از ابعاد مختلفی قابل مطالعه می‌باشد، اما اهتمام این پژوهش بر عارضه یابی امر توسعه از منظر حقوق عمومی است. آیا تقویت بنیان‌های حکمرانی مطلوب (Good Governance): حاکمیت قانون، توسعه مشارکت و افزایش ضریب شفافیت از طریق برقراری جریان آزاد اطلاعات، قابلیت دسترسی برابر و آسان شهروندان به فرصت‌ها، اطلاعات و امکانات می‌تواند مسیر حرکت توسعه در ایران را هموار نموده و آمال سند چشم انداز توسعه را رنگ واقعیت ببخشد.

واژگان کلیدی: توسعه، ایران، حقوق عمومی، ارزیابی، عوامل.

* نویسنده مسئول: hojjat49@gmail.com

مقدمه

شمار کشورهایی که برنامه توسعه ملی دارند از ۶۲ کشور در سال ۲۰۰۶ به ۱۳۴ کشور در سال ۲۰۱۸ رسیده است. این آمار از ۲۰۱۸ به این سو نیز همواره روندی صعودی داشته است. در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵ تمام ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل (در آن مقطع) خود را متعهد به هفده برنامه توسعه پایدار نمودند. برخلاف اهداف توسعه‌ی هزاره (Millennium Development Goals) که عمدتاً براساس رهیافت توسعه آمرانه صورت بندی شده بودند، اهداف توسعه پایدار قرار است از طریق برنامه‌هایی محقق شوند که به نحوی بومی ایجاد و هدایت می‌شوند و بازنمای الویت‌ها، آمال و بافتارهای دولت‌های عضو سازمان ملل هستند.^(۱)

ایران در بین کشورهای توسعه نیافته از پیشگامان برنامه ریزی توسعه بوده است. ابوالحسن ابتهاج معمار برنامه ریزی اقتصادی اصطلاح شکستن دور باطل فقر به کمک برنامه را برای اولین بار در کنفرانس بین‌المللی صنعتی ۱۹۶۱ بکار برد. تلاش برای ایجاد یک تیم اقتصادی و تهیه برنامه در ایران از ۱۳۱۶ (۱۹۳۷ میلادی) شروع شد و به تشکیل شورای اقتصاد انجامید؛ اما شروع برنامه توسعه تا سال ۱۳۲۷ به تاخیر افتاد. در حد فاصل برنامه اول توسعه تا انقلاب اسلامی شش برنامه توسعه به تصویب رسید که در مقام خود قابل نقد و بررسی می‌باشند.

پس از انقلاب برنامه صفر توسعه در سال ۱۳۶۱ از سوی سازمان برنامه و بودجه تهیه ولی علیرغم تصویب در شورای اقتصاد و هیات دولت از سوی مجلس شورای اسلامی مسکوت گذارده شد و عملاً کشور حدود یک دهه فاقد برنامه توسعه بود.

با پایان دفاع مقدس و شروع عصر سازندگی اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و از آن مقطع شش برنامه توسعه به حیطه اجرا درآمده و برنامه هفتم توسعه نیز در حال پیاده سازی می‌باشد.

به علاوه یک سند بالا دستی نیز تحت عنوان سندچشم انداز بیست ساله در سال ۱۳۸۴ برای تبدیل ایران به کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن آوری در بین کشورهای جنوب غربی آسیا به تصویب رسیده است.

ارزیابی عملکرد دولت‌ها، در اجرای برنامه‌های توسعه، میزان دستیابی به اهداف و دلایل ناکامی مجریان در تحقق کامل اهداف برنامه از منظر حقوق عمومی دستمایه این پژوهش می‌باشد.

نکته در خور تأمل این است که علیرغم اجرای سیزده برنامه توسعه در حدفصل سال‌های ۱۳۲۷ تاکنون و صرف منابع بی‌شمار، شوربختانه ایران از ورود به باشگاه کشورهای توسعه یافته بازمانده است. در حالی که در رویکرد توسعه‌ی برنامه محور، از پیشروترین کشورهای در حال توسعه بوده است و در این زمینه حتی از کشورهای فرانسه (۱۹۲۶)، هندوستان (۱۹۵۱) و کره جنوبی (۱۹۶۱) که نمونه‌های شاخص و موفق توسعه مبتنی بر برنامه ریزی هستند نیز در آن موقعیت پیشگام‌تر بوده است.^(۲)

واکاوی دلایل عدم تحقق اهداف برنامه‌های توسعه از ابعاد مختلفی قابل کنکاش و تامل می‌باشد. اما اهتمام این پژوهش بر آسیب شناسی پروژه توسعه در ایران با عطف توجه به یافته‌های حقوق عمومی است.

توجه به نتایج اجرای برنامه‌های توسعه و فاصله معنادار بین اهداف، برنامه‌ها و نتایج آن در عین روایت یک حقیقت تلخ می‌تواند این امید را رقم بزند که در صورت عطف توجه به دلایل عدم کامیابی برنامه‌های توسعه در ایران بتوان با اصلاح مسیر در جهت پیشرفت ایران عزیز گام نهاد.

۱- ارزیابی برنامه‌های توسعه بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی

با وقوع انقلاب در بهمن ۵۷ پیگیری برنامه‌های توسعه در ایران به محاق رفت. بدین ترتیب برنامه ششم توسعه کشور نیز که با اعتباری بالغ بر ۷۱۴۳۰ میلیارد ریال تهیه و به تصویب رسیده بود عملاً از اجرا باز ماند. (۳)

نکته درخور تامل این است که در این برنامه دو نوآوری صورت گرفته بود:

الف) آینده نگری ده ساله برای یافتن چشم انداز بلندمدت توسعه کشور

ب) برنامه آمایش سرزمین برای افق بیست ساله

محورهای ذیل نیز به عنوان الگوی این برنامه تعیین شده بود:

۱) برنامه ریزی جامع اقتصادی

۲) رشد ارگانیک اقتصاد کشور

۳) جایگزینی واردات

۴) سیاست صرفه جویی ملی برای کاهش تقاضا (۴)

اما با به حاشیه رفتن برنامه ششم توسعه در دهه نخستین استقرار نظام جمهوری اسلامی اهتمام اصلی زمامداران معطوف به تحکیم نظام جدید از یکسو و مدیریت جنگ از دیگر سو شده بود.

با خاتمه جنگ در سال ۱۳۶۸ اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با یک ماده و ۵۲ تبصره تهیه و در مورخه ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

نکته درخور تامل این است که در مجموع اهداف دهگانه برنامه اول توسعه ساماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت و تمرکز زدایی از تهران مطرح شده بود. (۵)

باید توجه داشت که با همه فراز و فرودهایی که در مسیر اجرای برنامه اول به ویژه در دو سال پایانی آن پدید آمد این برنامه توانست به متوسط رشد اقتصادی ۷/۴ درصد دست یابد. (۶)

با پایان برنامه اول توسعه در سال ۱۳۷۲ و به دلیل مشکلات پدید آمده در مسیر اجرای برنامه، عملاً کشور دو سال را در حد فاصل سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ بدون برنامه طی نمود. (۷)

برنامه دوم توسعه در سال ۱۳۷۴ طی یک ماده و ۱۰۱ تبصره با اعتباری بالغ بر ۲۳۸۱۸۶ میلیارد ریال به تصویب رسید.

در مجموعه اهداف شانزده گانه برنامه دوم، مناطق محروم مورد توجه ویژه قرار گرفته بود. (۸)

اهداف برنامه شامل عدالت اجتماعی، رشد فضائل براساس اخلاق اسلامی، افزایش بهره‌وری، تربیت نیروی انسانی، رشد و توسعه پایدار، تقسیم بهینه منابع و رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای و... تعیین شده بود. اما باید توجه داشت که رشد ۵/۱ درصدی هدف برنامه در عمل از ۳/۲ فراتر نرفت. (۹) برنامه سوم توسعه با اعتباری بالغ بر ۵۱۳۸۸ میلیارد ریال در حدفصل سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ به اجرا درآمد.

میانگین رشد سرمایه گذاری در این دوره ۷/۱ درصد تعیین شده بود. (۱۰) برنامه چهارم توسعه با هدف رسیدن به رشد ۸ درصدی در دوره پنج ساله ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ تهیه گردید. از نکات بدیع برنامه چهارم توجه به آمایش سرزمین، توازن منطقه‌ای و حفاظت از محیط زیست می‌باشد.

برنامه پنجم توسعه با محوریت اقتصاد مقاومتی و اصلاحات ساختاری در حدفصل سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به اجرا درآمد.

این برنامه از یکسو تحت تاثیر سند چشم انداز و از دیگر سو متأثر از سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی قرار داشت.

برنامه ششم توسعه کشور در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ به اجرا درآمد. در این برنامه متوسط رشد تولید ناخالص داخلی هشت درصد تعیین شده بود.

آخرین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور از سال ۱۴۰۳ به اجرا گذارده شده است. از جمله اهداف اقتصادی برنامه هفتم توسعه رسیدن به رشد اقتصادی هشت درصدی، رشد صادرات نفتی ۱۲/۴ درصدی و رشد صادرات غیرنفتی ۲۲/۶ درصدی می‌باشد. براساس مفروضات برنامه هفتم برای افزایش تولید نفت و گاز طبیعی و محصولات پتروشیمی و حفظ ظرفیت فعلی نیاز به سرمایه گذاری پنجاه میلیارد دلاری می‌باشد. (۱۱)

برآیند اجرایی برنامه‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب حاکی از عدم دستیابی مناسب به اهداف برنامه می‌باشد.

بدون نظر داشت برنامه هفتم به جهت عدم خاتمه، میزان تحقق اهداف برنامه‌های شش گانه، براساس اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به اتکاء شاخص‌های نسبی ۳۸ درصد و با رویکرد تحقق کامل اهداف ۹ درصد می‌باشد. (۱۲)

از آن جا که رشد اقتصادی از سه مولفه میزان سرمایه گذاری، میزان بهره وری و سرمایه انسانی شکل یافته است، رشد اقتصادی در ده سال گذشته نزدیک به صفر بوده است.

۲- سند چشم انداز از رویا تا واقعیت

ترسیم چشم انداز به موازات اجرای برنامه‌های توسعه به پیش از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران برمی گردد. در دوره پهلوی دوم رسیدن به دروازه‌های تمدن بزرگ و احیاء عظمت مجدد ایران همانند عصر هخامنشی به عنوان چشم انداز توسعه ترسیم شده بود.

پس از انقلاب نیز طرح ایجاد تمدن اسلامی در افق ۱۴۰۰ در سال ۱۳۷۴ از سوی رئیس جمهور وقت مطرح گردید و با امید به تحقق رشد هفت درصدی در طی بیست و پنج سال آتی رسیدن تمدن اسلامی را دست یافتنی می‌دید.

اما تدوین یک برنامه مدون به عنوان یک سند بالادستی از طرح بحث «افق آینده» در مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۸ شروع و به تدوین و تصویب سند چشم انداز بیست ساله از سوی مجمع انجامید که در ۱۳۸۲ از سوی رئیس جمهور وقت ابلاغ گردید. (۱۳)

به موجب سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ جامعه ایرانی باید از ویژگی‌های ذیل برخوردار گردد:

- توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی با تأکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی
 - برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی
 - امن، مستقل، مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت
 - برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی و تامین اجتماعی
 - فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب
 - فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مومن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن
 - دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی با تأکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل
 - الهام بخش، فعال و موثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تاثیرگذاری بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلام و اندیشه‌های بنیانگذار انقلاب
 - دارای تعامل سازنده و موثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت
- بدین ترتیب با تصویب سند چشم انداز ۱۴۰۴ عالی ترین چارچوب حقوقی سیاست گذاری پس از قانون اساسی تدوین گردید اما برآیند اجرای این سند در سال پایانی حکایت از آن دارد که این سند نتوانسته است انگاره‌ها و اهداف سیاست گذار و حکمرانی ایران را برسازی نماید.

طبق نتایج حاصل از اجرای برنامه‌های توسعه از منظر جهت گیری به سمت تحقق اهداف اقتصادی سند چشم انداز، بیشترین هم راستایی و عملکرد مربوط به برنامه سوم توسعه با نرخ رشد ۸/۳ می‌باشد.

براساس گزارش بانک جهانی در صورت تحقق رشد هشت درصدی هدف برنامه اندازه اقتصاد ایران به ۲/۷ شرایط فعلی می‌رسید که در این فرض درآمد سرانه ایرانیان ۲۵ درصد بالاتر از ترکیه قرار می‌گرفت و شاخص کیفیت زندگی نیز معادل کشورهای چو عمان، پرتغال و اسپانیا می‌شد. (۱۴)

۳- دلایل عدم تحقق اهداف توسعه در ایران

شکاف عمیق بین اهداف و نتایج برنامه‌های توسعه در ایران حکایت از یک مانع بنیادین در مسیر اجرایی برنامه‌های توسعه می‌باشد.

از منظر حقوق عمومی شکست پروژه توسعه در ایران (به ویژه بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی) عمدتاً محصول عوامل زیر می‌باشد:

۱) جهت گیری غیرتوسعه‌ای قانون اساسی به دلیل ساختار ایدئولوژیک جمهوری اسلامی هدف حکومت گشودن راه تحول فکری و عقیدتی به سوی الله است. براین اساس در تحکیم بنیادهای اقتصادی اصل، رفع نیاز انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه خلق ثروت و افزایش رفاه عمومی.

۲) عدم پایبندی به الزامات توسعه

از آنجا که توسعه به عنوان یک جنبش جهانی در پی گسترش ظرفیت نظام اجتماعی برای برآوردن احتیاجات جامعه، رشد اقتصادی، افزایش تولید و ارتقای سطح رفاه می‌باشد؛ لذا دستیابی به توسعه مستلزم پاره‌ای الزامات می‌باشد که به دلیل رویکرد آن جهانی قانون اساسی اساساً به دلیل عدم پایبندی به الزامات، پیگیری توسعه در ایران در حد شعار و برنامه باقی مانده است.

۳) علیرغم تدوین برنامه‌های متعدد توسعه در ایران و تصویب یک سند بالادستی در هیچ کجای این برنامه‌ها با تعریفی شفاف و روشن از مفهوم توسعه روبرو نیستیم.

۴) اگر اقتصاد را علم تخصیص بهینه منابع بدانیم در تدوین برنامه‌های توسعه گسستی عمیق بین لوازم و امکانات با اهداف برنامه مشهود می‌باشد گویی تدوین کنندگان برنامه یک خطابه سیاسی را هدف قرار داده و برنامه‌ای برای اجرا نشدن را مصوب می‌نمایند.

۵) عدم کامیابی برنامه‌های توسعه محصول عدم توجه به یک امر بدیهی است که توسعه نه محصول یک اتفاق بلکه یک فرآیند تدریجی مبتنی بر برنامه ریزی است.

۶) ساختار حقوقی نظام جمهوری اسلامی به دلیل تلاش برای همساز کردن نهادهای دموکراتیک و غیر دموکراتیک به تولد مخلوقی انجامیده که در بطن خود مولد تعارض و تضاد بوده و هم از این روست که صرف بی شمار منابع اقتصادی، انسانی، فرهنگی، عقیدتی، محیط زیستی و غیرتجدید پذیر کمترین تاثیری در کامیابی برنامه‌ها نداشته است.

۷) تعارض ساختاری، نظام بروکراتیک، تعدد مراکز تصمیم گیری عدم ثبات مدیریت، تحمیل تحریم‌های ناعادلانه و عدم توجه به متغیرهای موثر و عوامل کاهنده شاخص‌های برنامه از دیگر عوامل عدم توسعه یافتگی در ایران می‌باشد.

۸) تمرکز بر اهداف غیر کمیت پذیر، عدم پیش بینی سازوکار پایش برنامه‌ها نیز به فاصله گرفتن نتایج از اهداف برنامه‌ها مدد رسانده است. پایش و ارزیابی بخشی جدایی ناپذیر اجرای هدفمند برنامه است. پایش علاوه بر دادن اطمینان خاطر از حرکت بر مدار برنامه، می‌تواند میزان هم خوانی برنامه با اهداف را در ازای زمان و تغییرات پیرامونی نمایان کند و نشان دهد که آیا برنامه‌ها نیاز به اصلاح دارند؟

پایش و ارزیابی برنامه به عنوان یک فرآیند حیاتی موجبات افزایش کیفیت و بهره وری، شناسایی و رفع نقاط ضعف، افزایش قدرت تصمیم گیری، ایجاد فرصت‌های جدید و افزایش توان راهبری برنامه را فراهم آورد.

فرجام سخن:

در بررسی دلایل عدم موفقیت برنامه‌های توسعه در ایران اهتمام به دو نکته بسیار حائز اهمیت می‌باشد:

الف) تلاش برای رسیدن به توسعه اگر به فرجام مطلوب نرسد از این حیث دچار خسروانی مضاعف خواهد شد که علاوه بر عدم دستیابی به نقطه مطلوب برنامه، با هزینه‌های غیرقابل جبرانی نیز همراه خواهد شد. بزرگترین هزینه بهایی است که کشور به عنوان فرصت از دست رفته خواهد پرداخت. به دیگر سخن جاماندن از قطار جهانی توسعه فاصله ما با رقبا را افزون نموده و فرصت جبران را به حداقل خواهد رساند؛ به علاوه به دلیل اهتمام بی‌حاصل بخش‌های مختلف بر پیگیری اهداف برنامه در عمل منابع بدون اثربخشی لازم هزینه خواهند شد و از این بعد شوربختانه نه تنها حرکتی رو به جلو اتفاق نخواهد افتاد، بلکه در عمل به نوعی واپس گرایی ناگزیر ختم می‌گردد. چالشی که امروزه در بحران ناترازی خودنمایی کرده است نیز از همین منظر قابل مطالعه و تامل می‌باشد.

ب) توجه به مولفه‌های قدرت این واقعیت را در دسترس ما قرار می‌دهد که نمی‌توان بدون داشتن اقتصاد قوی، خود بنیاد و ملی، از قدرت جایگاه و اثربخشی موثر ایران در معادلات منطقه‌ای و بین المللی سخن گفت.

توسعه چراغی است فرا راه ما تا حرکت در مسیر پیشرفت و تعالی ایران را در مسیری روشن، قابل برنامه ریزی و دست نیافتنی قرار دهد. اما ناگفته پیداست که توسعه جز به مدد شناخت ظرفیت‌ها و امکانات و منابع و لوازم فراهم نمی‌آید. به دیگر سخن برای دستیابی به توسعه نیازمند سازمانی توانمند و مقتدر می‌باشیم که باید از ویژگی‌ها و مختصات ذیل برخوردار باشد:

به جهت ماهیت توسعه که حرکتی تدریجی و مبتنی بر برنامه ریزی است، تحقق این مهم از دل حکمرانی خوب به سامان می‌آید. امری که در دهه اخیر مورد اهتمام ویژه محققان علوم اجتماعی بوده است.

اصول حکمرانی مطلوب نخستین بار در سال ۲۰۰۹ از سوی کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام (ESCAP) تبیین گردید:

۱. مشارکت:

مشارکت کلیدی ترین پایه حکمرانی مطلوب می باشد. بدون مشارکت موثر و هم راستا با برنامه های توسعه از سوی شهروندان جامعه، دستیابی به این مهم ممکن نمی گردد.

۲. حاکمیت قانون:

حکمرانی خوب نیازمند چارچوبی عادلانه از قوانین است که در برگیرنده حمایت کامل از حقوق افراد در جامعه بوده و به طور شایسته ای نیز اجرا گردد. اجرای قوانین عادلانه نیز مستلزم نظام قضایی مستقل و بازوی اجرایی قدرتمند و فساد ناپذیر (پلیس) می باشد.

۳. شفافیت:

شفافیت در زمین جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی آسان، همگانی و برابر شهروندان به فرصت ها، اطلاعات و امکانات می روید. بنابراین سازمان دولت در مفهوم اعم آن باید بازتعریف گردیده و با تکیه بر ستون های مشارکت شهروندان، حاکمیت قانون و شفافیت سقف حکمرانی مطلوب را استوار نمود و در سایه سار آن توسعه ایران را دنبال کرد.

منابع

- [۱] آدموس. ا. جیم هوو و. برنامه ریزی توسعه ملی نوین و اهداف توسعه جهانی، ترجمه علی رستمیان. گاهنامه پایش توسعه و آینده نگری شماره ۶ تابستان ۱۴۰۰
- [۲] جنان صفت، محمدصادق. ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی در ایران. دنیای اقتصاد شماره ۱۱۵۶، ۱۳۸۵/۱۰/۲۸.
- [۳] عرب مازار، عباس و نورمحمدی، خسرو. تحلیل انتقادی هدف‌های اقتصادی برنامه‌های توسعه در ایران. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره پنجم شماره یک فروردین ۱۳۹۵ ص ۱۹ تا ۴۲
- [۴] ایزدی، رجب و حیدرپور، اینانلو. برنامه‌های پنجگانه توسعه در دوران پهلوی و انقلاب اسلامی. جامعه شناسی اقتصادی و توسعه. سال چهارم ۱۳۹۴ شماره ۲
- [۵] قانون برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱
- [۶] شقاقی، وحید. ارزیابی برنامه‌های پنج ساله توسعه از منظر تحقق اهداف اقتصادی. نشریه مجلس و راهبرد. تابستان ۱۳۹۷ شماره ۹۴ ص ۲۰۹
- [۷] صیفوری، بتول و تقوی، رامین. نشریه پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی. بهمن ۱۳۹۷ شماره ۲۲
- [۸] مرکز پژوهش‌های اتاق ایران. آسیب شناسی برنامه‌های توسعه. فصلنامه سیاست کلان. سال دهم پاییز ۱۴۰۱ ص ۴۷
- [۹] امیری، رضا. تحلیل برنامه‌های عمران و توسعه ایران از منظر مولفه‌های برنامه ریزی اجتماعی. فصلنامه برنامه ریزی و بودجه. زمستان ۱۳۹۱ شماره ۴ ص ۹۷
- [۱۰] غفاری، غلامرضا. پویایی شناسی برنامه‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران. دوره پنجم شماره یک فروردین ۱۳۹۵ ص یک
- [۱۱] کسرای، محمدسالار و اصغری، بهزاد. ساخت یابی برنامه توسعه در ایران پس از انقلاب. نشریه تحقیقات تاریخی اقتصادی ایران. دوره سیزدهم شماره ۲ دی ماه ۱۴۰۳
- [۱۲] گروه مهندسی خرد. داستان توسعه در ایران. انتشارات لوح فکر چاپ سوم ۱۴۰۱
- [۱۳] سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی
- [۱۴] خرمگاه، سمانه سادات. کارنامه اهداف چشم اندازه بیست ساله. جهان صنعت. شناسه خبر ۴۸۴۰۷۹.